

به عبارت دیگر

نقد و بررسی سه اثر قرآنی

ترجمه قرآن یکی از محوری‌ترین کارها در امر تبلیغ دین اسلام به شمار می‌رود. این امر که رسالتی بسیار بزرگ و مهم است می‌تواند دستاوردهای جانبی بسیار زیادی برای پیشبرد هدف فوق داشته باشد. آنچه در اینجا می‌خوانید، نگاهی مجمل به سه اثر قرآنی است که هر یک به نوبه خود به ترجمه و تفسیر قرآن کریم برای کودکان و نوجوان همت گماشته‌اند. روشن است که فرصت پاسخ‌گویی نسبت به نقدهای این نوشته برای نویسندگان محترم یا دیگر صاحب‌نظران و کارشناسان محفوظ است.

موارد راه فکر کردن را برای خواننده مشخص کرده و تفکر آزاد را از او گرفته است. به زبان عامه نوعی نسخه پیچیدن برای نوجوان است، در صورتی که مترجم نباید راه مشخص خود را در ترجمه به خواننده القا کند زیرا باعث می‌شود در دوران‌های مختلف کاربرد آیات کم‌کم تضعیف شده و راهی که مترجم مشخص کرده از حدود خارج شود و خواننده این هدف مترجم را متمرکز در متن عربی بداند و تهمتی به آیات شود. مترجم باید فقط متن عربی را ترجمه کند تا هر کس به توان خود از آن سود برد، ولی اگر شخصی همانند جناب رحماندوست وارد ترجمه قرآن می‌شود باید متن را ساده، روان و پذیرای ذهن نوجوان ایرانی کند نه آنکه با اضافات آن را تزئین کند؛ اگر هم اضافاتی مد نظر اوست باید در قلاب [] قرار دهد!

مثلاً آیه ۱۱ سوره بقره: «و اذا قيل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون.» را ایشان چنین ترجمه کرده است: «و هنگامی که به آن‌ها گفته می‌شود (با کارهایتان) بر روی زمین فساد ایجاد نکنید می‌گویند (ما فاسد نیستیم) ما فقط به فکر اصلاح در جامعه هستیم.»

باید گفت کلماتی را که داخل پرانتز گذاشته‌ایم ایشان فقط پیرنگ کرده است در حالی که اگر آن‌ها را داخل پرانتز یا کروشه گذاشته و از متن جدا کرده بود بسیار بهتر و کارآمدتر بود، زیرا خواننده می‌فهمید که این دو متن داخل متن عربی نبوده است. کلمه «با کارهایتان» بسیار برای جوان و نوجوان اشتباه‌برانگیز است زیرا ممکن است کسی کاری انجام ندهد یا شاید نظرش مثبت باشد ولی فساد کند همان‌طور که افراد جامعه خود ممکن است با ناآگاهی به سمتی روند که فساد تولید شود و این را جوان امروزی با وسایل ارتباط جمعی می‌تواند درک کند، یا کلمه «ما فاسد نیستیم» اصلاً ضرورتی ندارد و اشتباهات بسیار زیادی را شامل می‌شود که ممکن است به متن بعدی ضرر بزند زیرا متن خداوند به‌روز است و پر از برکت، ولی متن بشر همیشه اشکال دارد.

هدف از ترجمه، تبیین و روشن ساختن مطالب قرآنی است که این امر برای سنین و اقشار مختلف می‌تواند به وفور ترجمه شود، حال این که ترجمه کار بشر است و متن عربی قرآن کریم کار خداوند و این دوگانگی باعث می‌شود ترجمه‌ها همگی ایرادهایی داشته باشند. هر چند مترجم‌ها همه تلاش می‌کنند که این ایرادها را به کمترین حد برسانند و این امر خود می‌طلبد مترجمان، در هر زمان و هر مکان، خود صاحب نثر و کلام جدید برای نسل و مکان و محل خود باشند. حال اگر برای کودکان بخواهیم قرآن را ترجمه کنیم این امر اگر به وسیله نویسنده کودکان باشد بسیار بهتر است. نویسنده هم خود را در چارچوب قواعد و قانون‌ها قرار می‌دهد که شاید برای رسیدن به معانی دچار مشکل شود ولی قرآن کریم خود راه را برای افراد باز می‌نماید.

ترجمه قرآن کریم (جزء یکم و سی ام) / رحماندوست

برای نقد ترجمه آقای مصطفی رحماندوست باید به گذشته ایشان نگاهی بیندازیم. رحماندوست فارسی را خوب می‌داند و با چند و چون کار با کودکان و نوجوانان نیز آشناست و می‌تواند «دانه‌های یاقوت» موجود در آیات قرآنی را به بهترین وجه به رشته بکشد و نمودار کند. با این وصف، آیا در این راه، مقصود کلام خداوند را توانسته است به‌طور کامل وارد ذهن نوجوان امروزی کند یا نه؟ شکل بسیار زیبای کتاب یکی از چندین مورد نکته‌های مثبت کار ایشان است.

در ترجمه جزء اول قرآن کریم ایشان، اگر مقدمه‌ای بود که خواننده نوع ترجمه و نثر آن را می‌فهمید و کلماتی را که در متن ترجمه کمی پیرنگ‌تر شده ولی داخل متن قرآن کریم نیست تشخیص می‌داد بهتر می‌بود، زیرا نویسنده و مترجمان دیگر می‌فهمند که این کلمات داخل متن عربی وجود ندارد. این یک عیب بزرگ برای ترجمه جزء اول ایشان است که در بعضی



مجموعه «کتاب آشنایی با قرآن کریم، شرح و ترجمه قرآن برای نوجوانان» نوشته فرزانه زنبقی ترجمه جدید دیگری که پا به عرصه نشر گذاشته ترجمه خواندنی قرآن است که با نگاه تفسیری و پیام‌رسان ویژه نوجوانان و جوانان به قلم آقای علی ملکی تدوین شده است

داخل آیه داشته باشد. او ترجمه آیات را هم، که از ترجمه‌های چاپ شده است، جدا کرده و در پایان هر قسمت آورده است. چون نویسنده هیچ شاهدهی نیاورده که آیا خودش آیات را ترجمه کرده است یا دیگری، این کار را نمی‌توان یک ترجمه یا تفسیر قرآن نامید زیرا ترجمه انتخاب شده بسیار روان و ساده و زودفهم است؛ شاید با این کار نویسنده خود را از تهاجم منتقدان دور نگه داشته است.

نویسنده مجموعه، مخاطبان نوجوان را به خوبی می‌شناخته و نوع انتخاب ترجمه را بر مبنای فهم و درک نوجوان و جوان انتخاب کرده است، البته بعضی موارد را نادیده گرفته که باید گفت او راهی برای فهم راحت و آرام آن معانی نیافته است تا بتواند تمام موارد را از قرآن و آیات ذکر کند.

در ترجمه قرآن کریم اگر متن عربی همراه ترجمه نباشد نمی‌توان آن را ترجمه قرآن نامید. در مجموعه آشنایی با قرآن کریم نیز متن عربی به هیچ وجه دیده نمی‌شود. باید دانست که در حکومت اسلامی هر متنی که مبتنی بر قرآن کریم باشد باید مزین به متن عربی قرآن شود. دارالقرآن کریم هم اگر ترجمه قرآن فقط به فارسی چاپ شود و متن عربی نداشته باشد آن را ترجمه‌ای کامل نمی‌داند.

در این مجموعه معایب بسیاری دیده می‌شود مثلاً: در سوره حمد، که خود نویسنده به «مادر قرآن» بودن آن کاملاً واقف است، فقط به دو سؤال «انعمت علیهم» چه کسانی هستند؟ و «مغضوب علیهم» و «ضالین» چه کسانی هستند؟ به یک صفحه توضیح اکتفا کرده و هیچ تفسیری در آن دیده نمی‌شود. در ضمن

در آیه ۲۷ سوره بقره، اول آیه کلمه تبهکاران را اضافه کرده که در آیه نیست، در صورتی که آیه از پیمان شکنی صحبت می‌کند و این عمل را بد می‌داند، شاید افراد خوب هم پیمان شکنی کنند و بعد به فساد و تباهی کشیده شوند. فقط تبهکاران که پیمان شکنی نمی‌کنند؛ لذا ترجمه این آیه کلاً معانی غیر از متن را می‌رساند.

در آیه ۳۰ سوره بقره در قسمت آخر می‌نویسد: من چیزهایی (از رازهای این آفرینش) می‌دانم که شما نمی‌دانید، در صورتی که اگر عبارت «رازهای این آفرینش» را نمی‌آوردند مشخص می‌شد که خداوند همه چیز را می‌داند چه راز باشد چه نباشد، چه نهان باشد چه آشکار، چرا ایشان مشخصاً رازها را آورده است؟ در ترجمه جزء اول، این گونه موارد به وفور دیده می‌شود که خود شاید موجب مشکل برای ذهن پویای نوجوان شود. امیدواریم در سال‌های آینده این متن‌ها به روز شود و مترجم محترم جوابگوی سؤالات آنان باشد.

ترجمه جزء ۳۰ آقای رحماندوست هم همین گونه است ولی چون متن اضافه پررنگ نشده کاملاً داخل متن قرار گرفته است که البته این دو اثر را ترجمه نمی‌توان نامید بلکه خرده تفسیر است که این نام برای آن کامل تر می‌باشد. باید ذکر کنم که چون آقای رحماندوست نویسنده و شاعر بزرگ کودکان و نوجوانان است و آثار ایشان همواره با استقبال روبه‌رو شده چه خوب است کار قرآنی کودکان را با شجاعت ادامه دهند، زیرا جامعه احتیاج به نثر ایشان دارد.

آشنایی با قرآن کریم / فرزانه زنبقی

مجموعه «کتاب آشنایی با قرآن کریم، شرح و ترجمه قرآن برای نوجوانان» نوشته فرزانه زنبقی در این مجموعه نویسنده تلاش کرده است علاوه بر بیان شرح مختصری از شأن نزول آیات، اشاره‌ای به توضیح بعضی موارد



می‌پندارد که بسیار خطرناک است. در اسلام واقعی (تشیع) به هیچ وجهی جنگ کردن معنا ندارد. در قرآن کریم دفاع مدنظر است و جهاد، کوششی برای تبیین خوبی‌هاست که دفاعی از آن کوشش‌ها می‌باشد. در جزء‌های دیگر مطالب بسیاری عادی و معمولی است و هیچ تیزبینی و کوششی برای فهم بهتر قرآن دیده نمی‌شود. مطالب بسیار عادی و ساده پشت سر هم آمده و شاید اگر بخواهیم این جزء‌ها را بخوانیم پس از مدتی خسته‌کننده خواهد شد زیرا به نصیحت‌های افراد مسن برای نوجوان‌ها می‌ماند. شاید اگر نویسنده با تحقیقی بر روی نوجوانان مطالب را با اهمیت بیشتری برای فهم دقیق گلچین می‌کرد بهتر می‌شد.

در سوره نبا آنقدر مطالب تکراری و خسته‌کننده می‌شود که افراد میان‌سال نیز، با بررسی که من کردم، نمی‌توانند سنگینی نصیحت‌مآبانه را درک کنند و زود می‌خواهند از مطالب بگذرند. وقتی یک قاری قرآن با صوت دلنشین آیه‌ای را تلاوت می‌کند هر شخصی چه مسلمان باشد چه غیر مسلمان، از نوای او لذت می‌برد. ای کاش مترجمان و نویسندگان هم بتوانند وقتی روی آیات قرآن کار می‌کنند مطالب را آنقدر زیبا بیان کنند که هر خواننده‌ای را به سوی خود بکشد.

ما باید تمام تلاشمان را برای خوش‌ذهنی جوان و نوجوان بکنیم و نگذاریم کتاب‌های قرآنی ذهن پویای او را از پویایی خارج کند. ای کاش نویسندگان کودکان و نوجوانان همراه با یک قرآن پژوه آگاه مجموعه‌ای را تهیه کنند تا شگفتی‌ها و اعجاز قرآنی با دستخط نویسنده کودک و نوجوان همراه شود و یک کار و اثر زیبا را پدید آورد.

معنی «ضالین» هم بسیار ناقص و کوتاه ذکر شده است که این با پویایی در شیعه و ذهن کوشای نوجوان تناسب ندارد و شاید نتیجه مخرب هم داشته باشد. البته می‌دانیم که تنها سوره‌ای که از زبان بشر است و کل قرآن کریم از زبان خداوند، فقط سوره حمد است و پر از برکت، متأسفانه نویسنده هیچ چیزی از حمد نیاورده و شاید نوجوان فقط (ضالین و مغضوب) را از حمد بفهمد. در پایان هم ترجمه‌ای آورده که ذکر نشده است از کدام مترجم است و بسیار عادی و خارج از تیزهوشی است که عامیانه و ابتدایی یک ترجمه انتخاب و گذارده شده است.

در جزء دوم یا کتاب دوم این مجموعه مطالبی بسیار سطحی و کم‌مفهوم آمده است. سؤال‌ها ابتدایی و بی‌روح نشان داده شده و متن قرآن کریم در یک هاله بی‌معنا قرار گرفته است. گویا نویسنده نه خود مجاب شده و نه از مطالب قرآنی سر درآورده است. مثلاً جهاد را خیلی ابتدایی و دور از معنی اصلی بیان کرده است. می‌دانیم که جهاد در اصل به معنای کوشش در راه خداوند است ولی نویسنده هیچ تلاشی برای تفهیم این معنا نکرده و این‌طور می‌نمایاند که خود هم از این معنا اطلاعی ندارد. در معنی جهاد این‌طور شروع می‌کند (صفحه ۵۶): «یکی از چیزهای که معمولاً مردم آن را دوست ندارند و از آن به خوبی یاد نمی‌کنند جنگ است. زیرا از جنبه ظاهری در جنگ انسان‌ها کشته و اسیر می‌شوند و اموال و دارایی‌ها به غارت می‌رود. در اسلام جهاد به معنی دفاع از آبرو، جان و مال مسلمین، مقدس است و افرادی که در راه خدا کشته شوند، جایگاه ویژه‌ای نزد او دارند» این متن بیشتر جهادهای داعشی را توضیح می‌دهد که هر نوجوان آگاهی آن را بخواند اسلام را دینی داعشی

ترجمه خواندنی قرآن کریم - علی ملکی

ترجمه جدید دیگری که پا به عرصه نشر گذاشته ترجمه خواندنی قرآن است که با نگاه تفسیری و پیام‌رسان ویژه نوجوانان و جوانان به قلم آقای علی ملکی تدوین شده است. ویژگی این کار به گفته نویسنده آن روانی و سادگی است و ترجمه به تناسب موقعیت و پیشگیری از تضادهای ظاهری و آهنگین ساختن و سجع‌آوری و معادل‌یابی فارسی و آسان‌فهم و به‌روز از ویژگی‌های آن می‌باشد.

نویسنده معتقد است: ترجمه خوب ترجمه‌ای است که وقتی آن را می‌خوانی نفهمی ترجمه است. اگر بسوی ترجمه بدهد یعنی در برگردان ساختارها از زبان مبدأ به زبان مقصد خوب عمل نشده است. این جمله کاملاً انسان را به شک می‌اندازد که آیا ترجمه که کار بشر است، کاملاً برابر با متن عربی، که کلام خداوند است، می‌باشد؟ یعنی ایشان همان‌گونه که خداوند سخن گفته کلام را جایگزین کرده‌اند؟ یعنی آیا یک قریشی که قرآن را به زبان عربی می‌خواند همان قدر می‌فهمد که یک فارسی‌زبان وقتی ترجمه ایشان را می‌خواند؟ این به نظر تمام مترجمان گذشته غیرممکن است زیرا اگر تمام دریاها مرکب شوند و تمام درختان قلم، حتی یک آیه را نمی‌توانند همانند قرآن بیاورند به هیچ زبانی. ایشان در جایی دیگر ذکر می‌کند: آنچه مهم است یافتن یا ساختن روساختی مناسب در فارسی است که بتواند زیرساخت عربی آیه را بازنمایی کند. وی خود می‌داند که چقدر در این کار موفق بوده است؟ هیچ مترجمی نمی‌تواند این بازنمایی را انجام دهد زیرا صاحب قرآن (خدا) با بشر به هیچ‌وجه در یک عرض نیستند که بتوان این کار را انجام‌شدنی فرض کرد. خداوند سبحان بر عرش حکومت دارد و در مقابل او انسان ذره‌ای بیش نیست.

تعریف از ترجمه نباید انسان را در توهمات غرق کند. انسان خود می‌داند چگونه کاری انجام داده است. تعریف و تمجید او را به بی‌راهه می‌کشد. در ترجمه ایشان اشکالاتی نمایان است. مثلاً در سوره اسراء آیه ۳۶ آمده: «و لا تقف ما لیس لک به علم»، ایشان ترجمه کرده‌اند: «دنبال آنچه نمی‌دانی راه نیفت»، که این

ترجمه بسیار عامیانه و ناقص است و نوعی نصیحت به زور به جوان است. اگر می‌گفتند آنچه را که بدان علم نداری دنبال نکن حداقل کلمات را معنی کرده بودند و نوع پذیرش را به خواننده می‌سپردند خیلی بهتر بود.

سوره اسراء آیه ۴۸: «انظر کیف ضربوا لک الامثال»، را این‌طور ترجمه کرده‌اند: برای تو چه حرف‌ها که در نمی‌آورند. این ترجمه هیچ ربطی به متن عربی ندارد که معنی اصلی کلمات این‌گونه است: بنگر که چگونه برای تو مثال زده‌اند.

در توضیحی که مؤلف برای ترجمه خود آورده کمی نسبت به مترجمان دیگر کم‌لطفی کرده است، در جاهایی مطالب مترجمان را بسیار کوتاه و ناچیز شمرده و کلام خود را بزرگ

یا در سوره ذاریات آیه ۹: «يُؤفِكُ عَنْهُ مَنْ اَفِكَ»، ایشان معنی کرده‌اند: آنکه منحرف شده از نورش محروم است، کلمه نور کجای متن عربی است؟ کلماتی مثل نور، صور فلکی و... در ترجمه ایشان به‌طور اضافی بسیار دیده می‌شود.

یا در جمله: «فَيُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» ایشان معنی کرده‌اند: «خدا هر که را نالایق ببیند به حال خود رها می‌کند و دست هر که را لایق ببیند می‌گیرد» لایق یعنی چه؟ و کجای آیه آمده است؟ نوجوان «لیاقت» مدنظر این نویسنده محترم را چگونه باید بیابد و آن را مساوی متن در ذهن پویای خود بچیند و آیه را بفهمد؟

و یا در سوره مؤمنون آیه ۱۰۸: «أَسْأَلُوا فِيهَا وَ لَا تَكَلَّمُوا»، ایشان معنی کرده‌اند: «گورتان را گم کنید»، که این کلمات در جوامع ما یک نوع بد زبانی است و مخصوصاً برای نوجوان به هیچ‌وجه جایز نمی‌باشد. این اصلاً به هیچ‌وجه معنی آیه نیست، البته نویسنده توضیحی داده که قابل قبول نیست.

در سوره کهف آیه ۵ مترجم می‌نویسد: «بزرگ‌تر از دهانشان حرف می‌زنند» که باز این هم نوعی بی‌احترامی است. البته از این موارد در ترجمه به وفور می‌توان دید.

ای کاش نویسندگان ما ترجمه‌ها را آن‌طور که خود تعریف می‌کنند بنویسند تا جوانان را به سوی قرآن رهنمون سازند و شتاب رفتن به راه خداوند را از هر چیزی بیشتر کنند.

امیدواریم بتوانیم کارهای قرآنی را بهتر و زیباتر ارائه دهیم ■